

شرط ازدواج موفق و پایدار



پیشانی

در میان همه عوامل و عناصر مؤثر در موفقیت یک ازدواج و بقا و تداوم آن، این محبت و مودت است که نقشی حیاتی دارد و می‌تواند زن و مرد را برای یک عمر پای هم نگاه دارد. اساسا این محبت و مودت است که فضای روابط همسرانه را به‌سمتی می‌برد که آرامش، همان هدفی که خداوند در آیهٔ ۲۱ سوره روم برای ازدواج به آن اشاره کرده است، تأمین می‌شود؛ «و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یابید و با هم انس بگیرید و میان شما

رأفت و مهربانی برقرار فرمود».

این مودت و محبت، راه‌های متنوعی برای ابراز دارد که بهترین آن‌ها ابراز زبانی و گفتن احساسات قلبی است، برای همین هم در روایات ائمه^ع در این باره سخن بسیار است که مسلمانان و مؤمنان را به بیان محبت قلبی به همسر توصیه می‌کند، پیامبر مهربانی‌ها حضرت رسول اکرم^ص در این باره می‌فرمایند: «وقتی مردی به زنی می‌گوید تو را دوست دارم، هیچ‌گاه از دل زن بیرون نمی‌رود». همین سخن پیامبر^ص به ما یاد می‌دهد که بدانیم محبت نیازمند ابراز است و چه‌بسا سکوت درباره این احساسات به دلسردی بین زوجین بینجامد. درحالی‌که یک ابراز محبت ساده و کلامی، اتفاقات مبارکی را در روابط بین همسران رقم می‌زند

و مانع از اختلاف‌های بسیاری می‌شود.

اغلب ما ثواب و عمل مستحب را به نماز، روزه، دعا و زیارت و امثال آن محدود و تعبیر می‌کنیم و یادمان می‌رود که محبت به اعضای خانواده به‌ویژه بین زوجین، خود از برترین مستحبات است و اثرات وضعی بسیار دارد. برای این ادعا مستند روایی هم داریم؛ آنجا که پیامبر^ص نگاه با محبت مرد به همسرش و نگاه از سر مهر زن به شوهر را عامل جذب رحمت خدا معرفی می‌کنند. آن‌ها که عیش این رحمت را دارند، بدانند یک نگاه پرمهر به همسر برای جذب آن کافی است. سالروز ازدواج آسمانی حضرت امیرمؤمنان^ع و زهرا^ص مرضیه^ص، فرصتی مناسب برای طرح چنین مباحثی است و خوب است منابر این آموزه‌ها را بیان و درباره‌اش فرهنگ‌سازی کنند، چون این رفتارها، فارغ از جلب رحمت خدا، نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت و پشوتانه‌ای برای زندگی خانوادگی هم محسوب می‌شود و در بزنگاه‌ها

و پستی‌وبلندی‌های زندگی و نیاز به همدلی همسران، خود را نشان می‌دهد.

توجه به حقوق همسر نیز از آموزه‌هایی است که روایات ما به شدت بر آن تأکید می‌کنند؛ برای مثال امام سجاده^ع در «رساله حقوق» خود به حقوق همسر اشاره و تصریح می‌کنند: «و اما حق فردی که از راه ازدواج با تو نسبت برقرار کرده (یعنی حق همسر) این است که بدانی خدا او را مایه آرامش جان و انس و انیس و نگهدار تو قرار داده است و هریک از شما زن و شوهر باید به نعمت وجود همسرش، حمد خدا را به جا آورد و بدانند که این نعمت خداست که به او داده و بر او لازم است با این نعمت خدا خوش‌رفتاری کند و آن را گرمی بدارد. با او به مدارا رفتار کند؛ گرچه حق تو بر همسرت، سخت‌تر و نسبت به آنچه می‌پسندی و نمی‌پسندی، تا آنجاکه گناه نباشد، طاعت تو بر او لازم است. ولی او هم حق دلنوازی و انس بر تو دارد و حفظ مقام آسایش تو در دامن اوست برای کامیابی و لذت جویی که باید انجام شود و این خود حق بزرگی است و قوه‌ای جز به کمک خداوند نیست».

همین یک فراز کوتاه و پرمغز، نقشه راهی است برای همسران تا بدانند کجا و چطور حامی، همدل و همراه هم باشند، اما در سایه بی‌توجهی به چنین آموزه‌هایی و با گوش سپردن به روان‌شناسی‌های زرد، به جای کانون گرم خانواده و روابط عمیق عاطفی، بالاوپایین کردن پله‌های دادگاه، طلاق عاطفی، تنهایی وافسردگی و کودکان طلاق و آسیب‌دیده را تجربه می‌کنیم؛ تجربه‌ای سخت، سنگین و ضربه‌زننده!

خوب است در مناسبت‌هایی مثل روز و هفته ازدواج، از این راه و برکات آن بازخوانی کنیم و از خوبی و آثار محبت و مودت زن و شوهر به‌هم بگوییم؛ محبتی که نه تنها دنیای آن‌ها را آباد می‌کند، بلکه بهشت را هم مقصد اخروی آن‌ها می‌کند؛ مثل ازدواج آسمانی امام علی^ع و حضرت فاطمه^ص که هم خودشان را سعادتمندکرد و هم فرصت ولادت و تربیت فرزندان^ی را فراهم کرد که هریک تاریخ‌ساز بودند و هنوز هم تاریخ مروهون آن هاست، چون در آن ازدواج و در رابطه بین آن حضرات، این مودت بود که حکمرانی می‌کرد.

حکم اجازه از ولی

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارید.

● **سؤال:** سؤال: آیا زن و فرزند برای سوگند خوردن، حتما باید از شوهر یا پدرشان اجازه بگیرند؟

● **پاسخ اجمالی:**

زن و فرزند، برای سوگند خوردن، نیاز به اطلاع دادن یا اجازه از شخصی ندارند و سوگندشان منعقد خواهد شد، ولی اگر پدر از سوگند فرزندش – در هر سنی باشد – و شوهر از سوگند همسرش آگاه شد و با آن مخالفت کرد، این سوگند از لحاظ شرعی، ملغی (بی اثر) خواهد بود.

گفتنی است، این حکم برگرفته از برخی احادیث معصومان^ع است. مواردی از جمله، صحیح‌ه منصوربن حازم از امام صادق^ع: «... لا یبیین لیلؤلک مَع وَالِدِهِ...» (کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۴۴۴، بَابُ اَنَّهُ لَا رِضَاعَ یَعْدُ فِطَامٍ، ج ۵، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق) و شاید حکمت آن، ایجاد سهولت و راه فراری برای عمل نکردن به سوگند‌هایی باشد که عمل به مقتضای آن‌ها دشوار است.

آیت‌ا...العظمی سبستانی

می‌توانند بدون مطلع کردن قسم بخورند، ولی اگر فرزند بدون اجازه پدر، و زن بدون اجازه شوهر قسم بخورد، پدر و شوهر می‌توانند قسم آنان را به‌هم بزنند.

آیت‌ا...العظمی مکارم شیرازی

باید با اجازه باشد و سن تأثیری ندارد.

آیت‌ا...العظمی شبیری زنجانی

اجازه گرفتن از پدر یا شوهر تا آخر عمر لازم است، ولی همین که بدانند راضی است، قسم منعقد شده است و مطلع کردن او لازم نیست.

آیت‌ا...العظمی صافی گلپایگانی

بلی. در انعقاد یمین اذن والد لازم است، حتی اگر فرزند دارای سن بالا باشد.

آیت‌ا...العظمی نوری‌همدانی

بله. اگر فرزند بدون اجازه پدر و زن بدون اجازه شوهر قسم بخورد، پدر و شوهر می‌توانند آن را باطل کنند.

● **سؤال:** نذری که چند سال از آن گذشته و به آن عمل نشده است، چه حکمی دارد؟

● **پاسخ اجمالی:** چنانچه نذر مذکور، مطلق بوده و زمانی برای آن تعیین نشده است، به نحوی که اگر الان آن را انجام دهد، مخالفت با نذر به‌شمار نمی‌آید، باید طبق نذر عمل کند و چیز دیگری برعهده وی نیست.

اما اگر نذر، زمان خاصی داشته باشد و از روی عمد و اختیار به آن عمل نشود، کفارہ واجب می‌شود و درباره کفارہ شکستن نذر، دو نظر بین مراجع تقلید وجود دارد: ۱. گروهی، آن را شبیه کفارہ افطار عمدی روزه (اطعام شصت فقیر یا دو ماه روزه بی‌درپی) می‌دانند. ۲. گروهی آن را شبیه کفارہ قسم (اطعام ۱۰فقیر یا تهیه لباس برای آنان و اگر نتواند سه روز روزه بی‌درپی) می‌دانند.

درهرحال بعد از تحقق مخالفت با نذر و وجوب کفارہ، عمل به نذر واجب نیست. البته باید توجه کرد که: ۱. در تحقق نذر، خواندن صیغه و به زبان آوردن آن لازم است (هرچند عربی بودن لازم نیست). پس اگر صیغه نذر خوانده نشود، نذر منعقد نمی‌شود و چیزی واجب نیست. ۲. در نذر باید لفظ «برای خدا» گفته شود و قصد در دل کافی نیست.

مهار خشم در پرتو آموزه‌های قرآنی

خشم، آتشی که دامان ما را خواهد گرفت

آمنه مستقیم^ی | **وقتی می‌گویند سیره کلامی و عملی اهل بیت^ع، ترجمان قرآن است، یعنی آن آموزه‌ها و رهنمودهایی که خدای متعال در قرآن به ما ارائه کرده است تا به وسیله آن‌ها راه خوشبختی را پیدا کنیم و طعم شیرین حیات طیبه را بچشیم. از طریق سیره و توصیه‌های ائمه معصوم^ع دستی یافتنی تر می‌شود. مرور روایات آن حضرات هم به خوبی شاهدهی بر این ادعاست. از این رو در چهارشنبه‌ای امام‌رضایی، یکی از توصیه‌های اخلاقی عالم آل رسول و اثرگذاری آن در اصلاح و ارتقای سبک زندگی را بررسی می‌کنیم.**

● کلیل هر بدی!

امام رضا^ع می‌فرمایند: «خشم، کلید هر بدی است» (مشکاه‌الانوار، ص ۳۸۳، ج ۱۲۶۶). این سخن امام مهربانی‌ها را تأیید و اسرار آن را بازگو می‌کند؛ به‌ویژه آنکه به تصریح آموزه‌های دینی، خشم و غضب باعث می‌شود عقل از کار بیفتد و انسان دیوانه‌وار «غضب، عقل آدمی را فاسد می‌کند».

● وصف قرآن از مؤمنان

خشم و غضب، خطرناک‌ترین حالت انسان است که اگر به حال خود رها شود، به شکل جنون و از دست دادن کنترل بر اعصاب، خودنمایی می‌کند. اگر تاریخ را ورق بزنیم و مشکلات بزرگی را که در جوامع انسانی به‌وجود آمده است، بررسی کنیم، درمی‌یابیم که سرچشمه بسیاری از ناملایمات و حوادث دردناک، همین خشم و غضب انسان است. خداوند در آیه ۳۷ سوره مبارک شوری می‌فرماید: «افرادی که ایمان قوی و توکل بر خدا دارند، از گناهان بزرگ دوری می‌کنند و وقتی به مردم خشم می‌گیرند، از اشتباهات آنان چشم‌پوشی و گذشت می‌کنند».

نسخه‌های قرآنی برای کنترل خشم

قرآن و آموزه‌های روایی همان قدر که درباره آثار منفی و عواقب بدی که با خشم دامن‌گیر انسان می‌شود توصیه کرده‌اند و هشدار داده‌اند، برای درمان آن نیز نسخه و تجویز دارند. یکی از راه‌های کنترل خشم، تغییر وضعیت و مکان است. توصیه شده‌است هنگام بروز خشم اگر می‌توانید، صحنه را ترک کنید. در غیر این صورت، بهتر است تغییر حالت دهید، یعنی اگر ایستاده‌اید، بنشینید و اگر نشسته‌اید، به پهلو دراز بکشید. در حالات پیامبر اکرم^ص آمده است: «هنگامی که پیامبر^ص خشم می‌گرفت، درحالی‌که ایستاده بود، می‌نشست و اگر نشسته بود، به پهلو می‌خوابید و خشم او برطرف می‌شد» (المحجه‌البیضاء، جلد ۵، ص ۲۰۸). تلاش باتوجه‌به اینکه غضب، پیامدهای بسیار خطرناکی دارد، تلاش برای درمان آن ضروری است؛ البته رویکرد آموزه‌های قرآنی روایی بیشتر جنبه پیشگیری دارد تا درمان؛ برای این کار باید در آثار و عواقب آن فکر و مرتب به خود تلقین کرد غضب آتشی است که می‌تواند خرمن ایمان و سعادت و هستی انسان را بسوزاند. عصبانیت و خشم موجب گرفتن تصمیم‌های نسنجیده و در نتیجه پشیمانی آدمی می‌شود. یکی دیگر از راهکارهای مقابله با خشم، یاد خداست. گفتن «أَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ» و «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» در هنگام عصبانیت، در روایات توصیه شده است. تغییر دادن حالت و مکان، یکی دیگر از راه‌های رفع غضب است.

● تحسین پیامبران برای کنترل خشم

کنترل خشم و فروبردن آن به قدری اهمیت دارد که خداوند در معرفی و تحسین پیامبران خود، آن‌ها را به این ویژگی می‌ستاید، برای مثال در آیه ۱۱۴ سوره توبه، حضرت ابراهیم^ع را با صفت «آواه حلیم (دلسوز در هدایتگری و بردبار)، ستایش می‌کند، حتی زمانی که به او بشارت تولد اسماعیل^ع را می‌دهد. از میان تمام صفات برجسته انسان، تنها روی صفت بردباری اسماعیل تکیه می‌کند (سوره صافات، آیه ۱۰۱). همچنین در آیه ۱۹۹ سوره مبارک اعراف، به پیامبر^ص توصیه می‌کند که در مواجهه با جاهلان، بردبار باشد .

● وعده قرآن به کاظمین غیظ

قرآن در کنار هشدار و راهکار، به آن‌ها که خشم خود را فرومی‌برند و غضبشان را کنترل می‌کنند، وعده‌هایی جذاب داده است که مشوق خوبی به‌شمار می‌رود. یکی از وعده‌های خدا به آن‌ها که خشمشان را فرومی‌خورند، بهشت است؛ «... و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزکاران، آماده شده است. همان کسانی که اتفاق می‌کنند... و خشم خود را فرو می‌برند...» (آل عمران، ۱۳۷). مغفرت الهی، از دیگر برکات و رهاورد‌های کنترل خشم است «... و خشم خود را فرومی‌برند... چنین کسانی پاداششان، آمرزش پروردگار است».

آتش باره‌ای از شیطان

به دلیل همین آثار سوء خشم و عصبانیت، آموزه‌های روایی به شدت ما را از آن پرهیز داده و عواقب منفی و سنگین خشم و عصبانیت را برشمرده‌اند. پیامبر^ص می‌فرمایند: «غضب، ایمان را فاسد می‌کند؛ چنان‌که سرکه، عسل را فاسد می‌کند» و از حضرت امام محمد باقر^ع نیز روایت شده است: «این غضب، آتش باره‌ای است از شیطان که در باطن فرزند آدم است و چون یکی از شما غضبناک شد، چشم‌های او سرخ می‌شود و باد به رگ‌های او می‌افتد و شیطان داخل وجود او می‌شود».

سرسخت‌ترین دشمن انسان

از حضرت امام جعفر صادق^ع نقل شده است: «غضب، کلید هر بدی و شر است» و باز از آن حضرت روایت است که: «غضب، دل مرد دانا را هلاک می‌کند» و نیز آن حضرت فرموده‌اند: «فردی که قوه غضبیه خود را مالک نباشد، عقل خویش را نیز مالک نیست». در روایتی دیگر، امیرالمؤمنین^ع فرموده‌اند: «سخت‌ترین دشمن انسان، غضب و هوای نفس اوست. هرکه بتواند این دو را رها کند، درجه او بلند می‌شود و به آخرین مرحله کمال می‌رسد».

سکوت کردن و پرهیز از صحبت،

از دیگر راه‌های کنترل خشم است.

باتوجه‌به آنکه در هنگام بروز خشم،

عقل انسان تحت تأثیر هیجان ناشی

از عصبانیت قرار می‌گیرد، در نتیجه

قدرت تصمیم‌گیری صحیح را از دست

می‌دهد. در چنین شرایطی، سکوت

کردن می‌تواند از شعله‌ورتر شدن

آتش خشم جلوگیری کند

● دلیل عقوبت حضرت یونس^ع

عصبانیت و خشم در فرهنگ قرآن به قدری ناپسند است که حتی یونس پیامبر^ع به دلیل خشمگین شدن، مشمول عقوبت الهی قرار گرفت؛ خداوند با اشاره به خشم حضرت یونس^ع در هنگام ناامیدی از هدایت قومش، آن را ترک اولی دانسته که از عجله نشئت گرفته است، لذا می‌فرماید: «در آن هنگام، خشمگین از میان قوم خود رفت. می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت. در آن ظلمت‌های متراکم صدا زد خداوند! منزهی تو، من از ستمکاران بودم». دلیل این مجازات، این بود که برای پیامبر بزرگی مانند حضرت یونس^ع، بهتر بود پس از آگاهی از اینکه به‌زودی عذاب الهی برای آن قوم فرا خواهد رسید، بازهم تا آخرین لحظه، آن‌ها را ترک نگوید و از تأثیر سخن مایوس نشود.

هر انسانی طبیعتاً در مقابل پشامدهای ناگوار، ناراحت و عصبانی می‌شود، اما اگر خشم به‌طور متعادل به‌کار گرفته نشود، موجب خواری و هلاکت و بروز بسیاری از بدی‌های دیگری می‌شود. به‌طوری‌که شخص در زمان عصبانیت، قدرت تفکرش را از دست می‌دهد و ممکن است دست به اموری بزند که شایسته نیست و حتی موجب قتل شخصی دیگر شود. چه‌بسیار پرونده‌ها در دادگاه‌ها و محاکم قضایی که ریشه همه آن‌ها، یک عصبانیت ساده و کنترل نکردن لحظه‌ای خشم بوده است؛ خشمی که پشیمانی بی‌پایان را برای مرتکبان جرم به‌همراه دارد.

● جمله‌ای برای درمان خشم

سکوت کردن و پرهیز از صحبت، از دیگر راه‌های کنترل خشم است. باتوجه‌به آنکه در هنگام بروز خشم، عقل انسان تحت تأثیر هیجان ناشی از عصبانیت قرار می‌گیرد، در نتیجه قدرت تصمیم‌گیری صحیح را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، سکوت کردن می‌تواند از شعله‌ورتر شدن آتش خشم جلوگیری کند. امیرالمؤمنین^ع در این باره می‌فرمایند: «خشمگینی را با سکوت، معالجه کنید» (غررالحکم، ج ۲، ص ۳۴). در روایتی آمده است که پیامبر اکرم^ص نیز هنگام مشاهده فردی که به دیگری خشم گرفته بود و از شدت عصبانیت، بارفروخته شده بود، فرمودند: «من جمله‌ای می‌دانم که اگر آن را بگویند، خشمش از بین می‌رود؛ اگر بگویند «أَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ» (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۹۹).

● به یاد خدا دل آرام می‌گیرد

اعتقاد به فناء دنیا و تجسم و تصور مرگ، می‌تواند تأثیر درخورتوجهی بر خویشتن‌داری و کنترل خشم بگذارد و آرامش خاصی را بر انسان حاکم کند. ذکر خداوند و دعا و استعانت از نماز و روزه نیز برای غلبه بر خشم مؤثر است. دعا و نیایش و ارتباط با خداوند، سبب سعه صدر و بزرگی می‌شود. تحریک نمی‌شوند، چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «أَلَا يَذْكُرُ اَللّٰهُ تَطٰلَمَتِ السَّاعَةُ، همانا با یاد خدا، دل‌ها آرام می‌شود» (رعد، آیه ۲۸).

● خشم مطلوب

باید توجه کرد اگرچه کنترل خشم و غضب توصیه دین است، با توجه به آنکه خدای متعال هر قوه‌ای را با دلیل و برنامه در وجود انسان به ودیعه گذاشته است، قطعاً خشم هم در برخی مواقع، ضروری است و به کار انسان می‌آید. منتها باید بجا و درست از آن استفاده کرد. لذا از برخی خشم‌ها به‌مطلب تعبیر عادی می‌شود و می‌تواند از جان، مال یا منافع دیگرش جداکننده نباشد. علاوه بر این، خشم می‌تواند بعد الهی و مقدس پیدا کند؛ مانند خشم حضرت موسی^ع هنگام مشاهده «گوساله سامری» که موجب شد «بنی اسرائیل» متوجه گناه بزرگ خود شوند یا غضب امام علی^ع در برابر ظلم یک مسلمان به همسرش که باعث توبه آن فرد شد.